بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا
وبعث في الاميين رسولا منهم يتلو عليهم آياته
فشرفنا ولا بهدايته عزا وفخرا صلى الله عليه وعلى آله وصحبه
وبارك وسلم وعلى كل مؤمن به من ولد الجان وبني آدم
اما بعد چون در سنه ۱۲۵۵ یکهزار و دو صد و پنجاه و پنج سلاله خاندان عالیشان
خلاصه دودمان [illegible] محمد خان زمان خان ولد اوسط محمد باز خان مرحوم
متوطن بهیکم پور پرگنه کول علی گڈه وارد بلده دار الخلافه شاهجهان آباد شده
وسی و پنج مسائل بطریق استفتا بخدمت مستطاب سند الفقهاء والمحدثین

قدوة العباد والزاهدین مولانا و بالفضل اولانا ابو سلیمان محمد اسحق
اَبْقَاهُ اللهُ تعالیٰ علیٰ رُؤُسِ اَهْلِ الْحَقِّ وَالْاِحْقَاقِ سبط مولانا
مولی الکل حضرت شیخ عبد العزیز محدث دهلوی غفر الله له آورده
استدعای جواب با صواب مع نقل عبارت از کتاب نموده بنده ضعیف
کاتب الحروف سید ابو محمد جالیسری عفا الله عنه السیئات را که درین شهر از چند روز
مقیم بود برای تحریر املای جوابات این سوالات معین فرمود از آنجا که جواب
سوالات سائلین بعد نظر هدایت و ارشاد و طریقه سید المرسلین بر علمای باتمکین
فرض واجب است بحکم کریمه وَاَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ مولانا ممدوح
(اور جو نعمت ہے پروردگار اپنے کی سو بیان کر)
ابقاه الله عنا وعن سایر المسترشدین مرا باوصف لحوق عوارض جسمانی و وجود
عوائق روحانی در جواب سوالات سائل از کتب معتبره تلاش فرموده بجواب آن مسائل
پرداخت و این خلاصه کتب را برای یکه مسلمانان محمدی هستم سوم شادی
و ماتم دستور العمل ساخت پس این خادم اهل ایمان بموجب اجازت و ارشاد شیخ مسطور
در آن فرموده بمسائل اربعین فی بیان سنة سید المرسلین نام نهاد
وَاللهُ الْهَادِیْ اِلیٰ سَبِیْلِ الرَّشَادِ مقدمه در بیان آنکه بر همه مسلمانان لازم

و واجب است که سنت آنحضرت ﷺ و سنت خلفای راشدین و طریقه
ائمه مجتهدین را که در کتب معتبره اهل سنت و جماعت موجود اند در ثبت
نموده در شادی و غم جاری نمایند و از ملامت هر لائم باک ندارند چنانچه
عبادة بن الصامت صحابی رض میگوید بایعنا رسول الله صلی الله علیه
وسلم علی السمع والطاعة فی العسر والیسر والمنشط والمکره وعلی
اثرة علینا وعلی ان لا ننازع الامر اهله وعلی ان نقول بالحق
اینما کنا لا نخاف فی الله لومة لائم و خلاف آنرا که از قسم رسوم جاهلیت
باشند خواه بطرز شرک و بدعت و خواه بر وجه گناه و معصیت همه را مسدود
باید ساخت لقوله علیه الصلوة والسلام تمسک بسنة خیر من احداث
بدعة خصوصا درین زمانه که سنت را بدعت و بدعت را سنت بلکه فرض
و واجب میدانند و مانعین آنرا بد و بهشته بالفاظ ناشایسته یاد میکنند و نیز بعضی را اخذ سنت و ترک
بدعت را بدتر هر شر و ظلم و اقدم میدانند چنانچه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نیز در حق
کسانیکه درچنین زمان با وجود مخالفت اهل بدعت و ترویج امور سنت جهد
اند بعده مژده شهید فرموده گفت من تمسک بسنتی عند فساد امتی فله اجر مائة شهید

زیرا که شهید حقیقی چون یکبار در مقابله کفار بزخم نیزه و تلوار جان عزیز
خود را بمالک حقیقی می سپارد ثواب یک شهید می یابد اما آنکه در زمان
غربت دین و آوان شرارت مفسدین تمسک بسنت آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم می کنند و باربار هدف طعن و ملامت این
مردمان بدکردار میگردند بعوض آن هر یک را ازین غریبان ثواب
صد شهید خواهد رسید لنعم ما قیل شعر زخم شمشیر جان ستان نکند
آنچه زخم زبان کند بر مرد + واین اصل سنت انبیاست علیهم الصلوات والتسلیمات
چنانچه در حدیث شریف آمده قال علیه الصلوة والسلام اشد الناس بلاء
الانبیاء ثم الامثل فالامثل بهر کیف رضای مولی از همه اولی دنیا
روزی چند آخر کار با خدا و سبیل اتباع سنت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم قولا و فعلا سبب
حصول رضامندی خدا عز وجل و موجب دخول جنت بوجه اکمل ذلک
فضل الله یؤتیه من یشاء اللهم اجعلنا منهم و کاره سنت موجب
سخط جبار است و باعث دخول نار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما
للظالمین من انصار ولا تجعلنا منهم قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم

كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى قِيلَ وَمَنْ أَبَى قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى رواه البخاری

و طاعت رسول علیه الصلوٰة والسلام عین طاعت خداست قال الله تعالیٰ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

اکنون بعد تمهید مقدمه در تسوید و تحقیق مسائل مذکوره آغاز نموده شد فاسال الله التوفیق فی هذا المقام و به الاستعانة فی کل مرام

سوال چه میفرمایند علمای دین و مفتیان شرع متین اندرین مسائل مفصله ذیل بینوا توجروا

مسئله وقت تولد طفل که در گوش وی اذان و اقامت میدهند واجب است یا سنت یا مستحب و اگر نامش محمد یا احمد نهند درست است یا نه

جواب استحباب اذان و اقامت بسنت رسول صلی الله علیه وآله وسلم ثابت است زیرا که در صحیح ترمذی و سنن ابو داؤد از ابو رافع رضی الله عنه آمده که گفت دیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم که اذان داد در گوش حسن بن علی رضی الله عنه وقتیکه زاد او را فاطمه رضی الله عنها

ف هر یکی از شما داخل شود در جنت مگر کسیکه انکار کرد گفته شد کیست که انکار کرد فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم هر که تابع من شود داخل شد جنت را و هر که نافرمانیم کرد پس بتحقیق انکار کرد روایت این بخاری ۱۲

و در مفتاح النجاة بتصریح آورده هرگاه پیدا شد هر یکی از حسنین
رضی الله عنهما اذان داد نبی صلی الله علیه و آله و سلم در گوش راست وی
اقامت فرمود در گوش چپ وی در مسند ابو یعلی از امام حسین رضی الله عنه
می آرد [illegible] مولود برای وی ولدی پس اذان دهد در
گوش راست وی و اقامت کند در گوش چپ وی ضرر نکند او را مرض
ام الصبیان کذا فی الجامع الصغیر للسیوطی و نام نهادن باسم محمد
یا احمد مستحب است چنانچه در صحیح بخاری و صحیح مسلم وارد شده که فرمود
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام نهید بنام من و در سنن ابی داود آمده
که نام نهید بنام پیغمبران یعنی ابراهیم و موسی و عیسی مثلا و در جامع صغیر
سیوطی از عبدالله بن عباس رض وارد شده مَنْ وُلِدَ لَهُ ثَلٰثَةُ
اَوْلَادٍ فَلَمْ یُسَمِّ اَحَدَهُمْ بِاسْمِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَهِلَ رواه الطبرانی
فی الکبیر ابن عدی فی الکامل حاصل این حدیث آنست که هرکه را
و نام یکی را بنام آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم ننهد بیشک محروم است مسئله
مؤذن آنکه در گوش پسر یا دختر اذان میدهد شیرینی یا نقد دادن جائز است

جواب در اذان دادن گوش مولود از حدیث ہمین قدر
ثابت شد کہ بزرگ خاندان مولود بزبان واقامت گوید و اگر کسی
دیگر غیر بزرگ وی اذان دہد نیز جائز است برای ادای سنت پس
نقد وشیرینی دیرا دہند باشند نیز براکہ پیش کش نمود حضرت فاطمہ
رضی اللہ عنہا چیزی از نقد وجنس بخدمت آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
منقول نیست ظاہرا دادن چیزی درینحال مستحق از باب خیر باشد بشرطیکہ
درین سنت رسم نکرد و لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا و اگر کسی بہ نیت
اجرت اذان دہد پس گرفتن اجرت در اذان جائز نخواہد شد چنانچہ علما گفتہ اند
اذان دادن در گوش مولود از قسم عبادت است و اجرت گرفتن و دادن
بر عبادت موافق اصل قاعدہ حنفیہ درست نیست هكذا فى الهداية
وشرح الوقاية و نص حرمت اجرت بر عبادت کریمہ
اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ است و مستحب برای اذان اقامت
مولود آنست کہ وی را بعد غسل در خرقہ پاک پیچیدہ اذان و اقامت
در گوش وی دہند و در وقت گفتن کلمہ حَيَّ عَلَى الصَّلٰوة و

حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ روی خود را بگردانند چنانچه وقت اذان نماز
میگردانند و نیز تحنیک مولود از خرما مستحب است چنانچه در حدیث
صحیح وارد شده عَنْ عَائِشَةَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ کَانَ یُؤْتٰی بِالصِّبْیَانِ فَیُبَرِّکُ عَلَیْهِمْ
وَیُحَنِّکُهُمْ رواه مسلم و مراد از تحنیک خائیدن تمر و مالیدن آن
بحنک مولود و همچنین هر چیز شیرین در حکم تمر است برای تحنیک مولود
لیکن تمر افضل است مسئله بعد تولد شدن پسر دستور است
که حجام با اهل قرابت مولود مبارکباد میدهد و ایشان بمقابل آن حجام را
چیزی از قسم پارچه و نقد میدهند این دستور جائز است یا نه جواب
ظاهرا دادن پارچه و نقد در مقابله تهنیت این حجام را جائز است
زیرا که دادن اینچنین وقت بطریق انعام بشارت دهنده در اصحاب
آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم ثابت شده چنانچه عطا نمودن ملبوس خود به مبشر از کعب
بن مالک صحابی در وقت نزول توبه وی وارد شده کذا فی صحیح البخاری وغیره و لیکن دعوی
[illegible] این دستور چیزی در شرع شریف ثابت نیست بلکه دادن چیزی در تحسین

وقف از قسم تبرع است و لا جبر علی المتبرع کما فی کتب الفقه

مسئله رسم چهپ چهک که در هندوستان مروج است یعنی

بعد تولد پسر مولود طرف اهال وی عورات و نقدار سال مینمایند

جائز است تا نه جواب فرستادن جنس غله ... عوض آن میکنند

ان نقول الیان وی اگر بنیت صله رحم باشد جائز است زیرا که آنحضرت صلی الله علیه

و آله و سلم در وقت حاجات جدیده خبرگیری حضرت فاطمه رضی الله عنها

میفرمود بحکم کریمه وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ پس ایصال نفع

باقارب بی قید رعایت رسم که مروج اهل هند است بشرط تشدید در عدم

استقراض از قسم خیرات است بدلیل جواز اینچنین امر خیر بکریمه وَافْعَلُوا الْخَيْرَ

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ است و اگر بنیت ادای رسم جهالت باشد

جائز نیست که در آن تشبیه برسم هنود لازم خواهد آمد و آن درست نیست قال علیه

الصلوة و السلام مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ مسئله

عقیقه مولود بروز هفتم اگر بکدام عذر شدن نتواند

طلا وزن کرده دادن درست است یا نه و گوشت عقیقه را
بکدام نهج تقسیم کنند و پهائی و را کلیجی هند یا همراه پوست وغیره
در زمین دفن کنند استخوان و را بشکنند چنانچه استخوان اضحیه را
کنند یا نه جواب علمای حنفیه باستحباب عقیقه رفته اند و گفته اند
که اگر عقیقه مولود روز هفتم نشود روز چهاردهم باید کرد و اگر
آن روز هم نشود بروز بست و یکم از روز تولد کنند و اگر بسبب تنگدستی
و افلاس آن روز هم نشود فرض و واجب نیست که برای آن بار قرض بر
گردن خود گیرد و موی سر طفل را با نقره وزن کرده بهای [illegible]
نیز مستحب است دادن آن بحلاق و حساب اجرت وی فا مر بتصدق
کردن موی سر آن مولود را بطلا هم برای کسانیکه ذی مقدور و متمول اند جائز
است دفن کردن آن موها در زمین مستحب است کما فی الطیبی شرح المشکوة پس باید که
هر کس بنیت استحباب این ذبیحه بکند قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الغلام
مرتهن بعقیقته تذبح عنه یوم السابع و یسمی و یحلق راسه
رواه احمد و الترمذی و ابوداود و النسائی [illegible]

اولی و افضل آنست که برای طفل ذکر دو بز ذبح کنند نر باشند یا ماده
و اگر برای کفایت یک بز ذبح کنند نیز جائز است و برای طفل انثی یک بز ذبح
کنند و نر و ماده در حکم عقیقه برابر است اگر میش دنبه ذبح کنند آنهم جائز است
و تقسیم آن بعد ذبح باین نهج مستحب است که ران بچه را بحلاق دهند
و یک [illegible] او را بقابله بعد از آن گوشت را سه حصه کنند خواه پخته خواه بوزن یک حصه را
از آنها بفقراء و مساکین دهند و حصهٔ باقی را برای خوردن اقارب و همسایه تیار
کرده پیش ایشان نهند کما قال العلماء حکم العقیقة
حکم الاضحیة پس بصورت خوردن گوشت آن مادر و پدر و جده و جد را
نیز جائز است [illegible] فلا اصل له فی الشرع و لا تکسر عظامها
تفاؤلا و ان کسرت فلا بأس به لان الاضحیة تکسر
عظامها کذا فی کتب الفقه و دفن کردن اجزاء عقیقه در زمین
جائز نیست لانه اضاعة المال و هی لا تجوز عند اهل
الشرع و پایهای عقیقه را اگر با موی سر بشنند بحلاق دهند و الا در استعمال خود
در آرند و پوست او را بعد دباغت در استعمال جلد کتاب در آرند

بالصدق نمایند و دعائیکه در کتب فقه مرقوم است وقت ذبح بخواند
این است اللهم ان هذه عقیقة ابنی فلان دمها
بدمه ولحمها بلحمه وعظمها بعظمه وجلدها بجلده
وشعرها بشعره اللهم تقبلها منی واجعلها فداء لابنی
من النار مسئله مکتب اطفال که در عمر چهار سال و چهار ماه و چهار روز
مقرر کرده اند اصلش چیست جواب مکتب اطفال که در هند رایج است باین
کیفیت از اصول شرع که کتاب و سنت و اجماع امت و قیاس مجتهد است بطریق فقهی
ثابت نیست پس در مکتب اطفال اهتمام بیجا مثل اهتمام لازم نکاح کردن نشاید
مگر اینقدر که ثابت شده این است که چون طفلی از اولاد عبدالمطلب گویا می شد
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم او را کلمه توحید و آیه قل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا الی آخر السورة تعلیم میفرمودند چنانچه در کتاب حصن حصین وغیره
مرقوم است و گویائی طفل را حدی و سنی مقرر نیست بعضی
دو سال و بعضی در کم و زیاده گویا میشود وقال العلماء اذا نطق
لسانه لقن لا اله الا الله محمد رسول الله

وقل الحمد لله الذی الخ واذا بلغ سبع سنین ختن ولا ینبغی
ان یؤخر عنه وامر بالصلوة تادیبا کما جاء فی الحدیث مروا
صبیانکم بالصلوة اذا بلغوا سبعا الحدیث ودر شرح شرعة الاسلام
مینویسد که برای مکتب اطفال که چهار سال وچهار ماه وچهار روز مقرر
کرده اند بعضی در توجیه آن میگویند که چون شق صدر آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم اول بار شده بود سن شریف آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
آن وقت همین قدر رسیده بود وبعد ازان مینویسد والمشهور انه علیه وآله الصلوة والسلام
کان له حینئذ ثلث سنین پس از نقل این قول مشهور توجیه اول ضعیف گردید
صح ان هذا التوقیت لا اصل له فی الشرع

مسئله تقسیم شیرینی وطعام بعد مکتب در مردمان برادری
جائز است یا نه جواب در شرع شریف وقت فرحت
وسرور را بعد حصول نعمت قرار داده اند چنانچه طعام ولیمه بعد
نکاح وعقیقه بعد تولد وبر توقع حصول نعمت محل شرینا ختنه اند پس وقت
مکتب تقسیم شیرینی وطعام مسنون نیست مگر آنکه این تقسیم درین وقت از قسم مباح باشد بشرطیکه

نیست اصلی در شرع ۱۲

یعنی مشهور آنست که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بود درین وقت یعنی شق صدر

دران تفاخر و ریا و سمعه و لهو و امر منهی نباشد و الا مکروه خواهد گشت
حضرت عمر رضی الله عنه بعد ختم سورهٔ بقره شتر را نحر نموده دوستان خود
را خورانیده بود چنانچه در تفسیر فتح العزیز مذکور است پس ازین بخوبی
معلوم گردید که فرحت نمودن بعد حصول نعمت خصوصا نعمتی دینی
خورانیدن طعام و تقسیم شیرینی وغیره بدوستان جائز است ازینجاست
که در دیار شرقیه وغیره بعد ختم قرآن شریف تقسیم طعام و شیرینی
وغیره نموده فرحت میکنند و آن را نشره بفتح نون و سکون
شین معجمه میگویند جائز و مباح بلکه مستحب است و ازین قبیل
است فرحت نمودن بروز فراغ از تحصیل علوم والله اعلم و علمه اتم

شهید **مسئله** در ختنه طفلان و در گوشواره دختران
تقسیم شیرینی و طعام میکنند جائز است **جواب** در شادی ختان طفلان عوض
نمودن تقسیم طعام کردن جائز بلکه مستحب است چنانچه شیخ عبد الحق در شرح
مشکوة شریف نوشته همچنین اگر تقسیم شیرینی کنند نیز جائز و مباح خواهد شد و در وقت
ثقب گوش دختران تقسیم طعام و شیرینی در کتابی از نظر نگذشته ظاهر از رسوم اهل هند باشد
[illegible] کردن ۱۲

ودر کتب فقہ مثل درمختار وغیرہ ہمین قدر مرقوم ست لا باس

بثقب أذن البنت وفي الحاوي ناقلا عن الواقعات الحسامية

ولا بأس بثقب أذن الطفل من البنات لأنهم

كانوا يفعلون ذلك في زمن رسول الله صلعم

من غير إنكار انتهى ودر نصاب الاحتساب

این عبارت آمده کہ لا بأس بثقب أذن الطفل

من النساء وفيه دليل على أن ثقب أذن الطفل من الذكور

مكروه فيحتسب على من فعله انتهى مسئلہ وقت ختنہ طفلان را

نوشانیدن دوای مسکر وخاتن در دست و پای صغیر از ذکور جائز است

یا نہ جواب نوشانیدن دوای مسکر طفلان نابالغ را ذکور باشند یا اناث

حرام است چنانچہ مرانان بالغین وزنان بالغات را حرام شده است وخاتن بستن

پای طفل صغیر از ذکور حرام است لأنه في حكم الرجل البالغ فهو

عليه حرام ودر دست وپای طفل صغیره از اناث استعمال حنا بندی جائز ومباح است

زنان بالغات را بنابر مباح بوده است کما في نصاب الاحتساب ولا ينبغي

أَنْ يُخْضَبَ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ بِالْحِنَّاءِ وَيَحْرُمُ عَلَى الصَّبِيِّ
شُرْبُ الْخَمْرِ وَأَكْلُ الْمَيْتَةِ لِأَنَّهُ عَلَى الَّذِي أَسْقَاهُ وَأَكَلَهُ
ودر حدیث شریف آمده اَلْخَمْرُ مَا خَامَرَ الْعَقْلَ ونیز كُلُّ
مُسْكِرٍ حَرَامٌ . وارد شده پس چیزی که مردان بالغین را جائز شده
است صبی نابالغ را نیز جائز خواهد شد و چیزی که زنان بالغات را
جائز شده است صبیه نابالغه را نیز جائز خواهد شد و چیزی که هر دو را
مباح نشده است صبی نابالغ و صبیه نابالغه را نیز مباح نخواهد شد
و استعمال دوائے مسکر مردان بالغین و زنان بالغات مطلقا حرام است پس صبی و
صبیه را نیز بتبعیت شان حرام شده و همچنین پوشانیدن زر و حریر باطفال صغار
غیر مکلف جائز نیست و اگر زنان بی اجازت مردان از نزد خود لباس حریر باطفال ذکور
بپوشانند درست نیست بلکه جواب پوشانیدن زر و حریر ذکور صبیان بر ایشان است کما قال فی الهدایة
وَيُكْرَهُ أَنْ يُلْبِسَ الذُّكُورَ مِنَ الصِّبْيَانِ الذَّهَبَ وَالْحَرِيرَ لِأَنَّ التَّحْرِيمَ لَمَّا
ثَبَتَ فِي حَقِّ الذُّكُورِ وَحَرُمَ اللُّبْسُ حَرُمَ الْإِلْبَاسُ كَالْخَمْرِ لَمَّا
حَرُمَ شُرْبُهُ حَرُمَ سَقْيُهُ وایضا در هدایه موجود است

ولا یجوز للرجال التحلی بالذهب لما روینا ولا بالفضة لانه فی معناه انتهی وفی نصاب الاحتساب ناقلا عن شرح الطحاوی الکبیر ویکره لباس الحریر للرجال والصبیان من الذکور وکذلک الذهب والفضة وایضا فیه ویکره للذکور الصغار الخلخال والسوار انتهی واگر زنان از نزد خود و مایل اجازت مردان ذکور صبیان از زیور و حریر بپوشانند پس ولی صبیان را باید که آن زیور و حریر را از ایشان انتزاع نماید زیرا که ازالۂ منکر ضرورست قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من رای منکم منکرا فلیغیره بیده الی آخر الحدیث کذا فی المشکوة والامر فرض پس تارک گنهگار خواهند شد و مراد از مکروه درین مقام مکروه تحریمی است فافهم

مسئله دستور است که جهت مقرر ساختن یوم نکاح نقد و پارچه از خانۂ عروس بدست حجام و بادفروش بتقید تاریخ و یوم نکاح بخانۂ نوشه میرود عوض آن نقد وغیره بحجام و بادفروش از خانۂ نوشه میرسد جائزست یا نه جواب اگر چیزی از خانۂ نوشه بطریق انعام حجام و بادفروش را

دور کند آنرا از دست خود ۱۲

بدہند جائز است لیکن حجام و بادفروش را بدست آوردن بدستور جبر و اکراہ
گرفتن آن نمیرسد چراکه دادن طعام وقت ستر از قسم تبرعات است
ولا جبر فی التبرعات المسئلة الثالثة من خلاصة
کتب الفقه **مسئله** طعام ولیمه برای مردمان برادری وغیره
قبل از نکاح جائز است یا بعد از آن و اگر بکدام عذر بعد از نکاح طعام ولیمه
کنند تا چند روز درست است **جواب** سنت در طعام ولیمه بعد از
عقد نکاح است و پیش از عقد نکاح خورانیدن طعام مسنون نیست پس
خورانیدن طعام قبل از عقد ادای سنت نشد قال زین العرب فی
حاشیة المشکوة ان الولیمة تکون بعد الدخول وقیل عند العقد
وقیل عندهما انتهی از این عبارت معلوم شد که ولیمه طعامی
را گویند که نزدیک عقد نکاح یا وقت دیگر سرور بطریق شکر
نعمت تیار شود و آنچه مروج است که بعد نکاح والیان عروس بمردمان برات
طعام میدهند آنهم بطریق ضیافت جائز است بشرط خلو آن از منکرات لهو
وغیره قال الامام محمد الغزالی فی کتاب احیاء العلوم فی بیان منکرات الضیافة ومنها سماع الاوتار وسماع القینات

وَمِنْهَا اجْتِمَاعُ النِّسَاءِ عَلَى السَّطْحِ تَنْظُرُ اِلَى الرِّجَالِ مَهْمَا
كَانَ فِي الرِّجَالِ شَبَابٌ تُخَافُ الْفِتْنَةُ بَيْنَهُمْ فَكُلُّ ذٰلِكَ
مَحْظُوْرٌ مُنْكَرٌ يَجِبُ تَغْيِيْرُهُ وَمَنْ عَجَزَ عَنْ تَغْيِيْرِهِ لَزِمَهُ الْخُرُوْجُ
وَلَمْ يَجُزْ لَهُ الْجُلُوْسُ فَلَا رُخْصَةَ فِي الْجُلُوْسِ فِي مُشَاهَدَةِ الْمُنْكَرَاتِ
انتهى اما اجابت دعوت برای طعام ولیمه خوردن آن طعام جائز است بل سنت بشرطیکه
خالی از منکرات شرعیه وعاری از بدعات شنیعه باشد والا خوردن آن جائز نخواهد شد
اگر از سابق معلوم کرده باشند که درین مجلس اسباب منکرات جمع شده اند از رفتن آنجا
اجتناب نمایند منجمله اسباب منکرات آن دعوت اغنیا وترک فقرا ومساکین است
قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ
الْوَلِيْمَةِ يُدْعٰى لَهَا الْاَغْنِيَاءُ وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ وَمَنْ لَمْ يُجِبِ
الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللهَ وَرَسُوْلَهُ این حدیث در صحیح بخاری وصحیح مسلم موجود است
كذا في المشكوة پس آن عوام اگر قبل از حضور معلوم کنند که در آنجا
منکرات است حاضر نشوند واگر او را معلوم نبود وبعد حاضر شدن منکرات پیش آمد پس آن
عوام اگر مقدرت وقدرت منع آن از دست یا زبان می دارد رد کرده بنشیند و

ولیمہ کہ اجابت دعوت است و اگر در آن مکان بیند و اگر عامی است قدرت

منع بر آن منکرات آنجا نمیدارد پس نشستہ بخورد و جائز است زیرا کہ اجابت دعوت سنت است

و عامی اگر بسبب وجود بدعت ترک نماید چنانچہ در شرح وقایہ مرقوم است عبارتہ الا انہ لا

یخلو انہ ان علم قبل الحضور ان هناك لهوا لا يجوز الحضور وان

لم يعلم قبل ذلك لكن هجم بعده فان كان قادرا على المنع

منع وان لم يكن قادرا فان كان الرجل مقتدى أي يحتاج ولا

يقتدي به الناس وان لم يكن مقتدى فان قعد واكل جاز لان اجابة

الدعوة سنة فلا تترك بسبب بدعة كصلوة الجنازة

تحضرها النائحة انتهى لیکن بر علماء ظاهر است کہ کراهت آن بدل و فی الحدیث فان

لم يستطع فبقلبه وذلك اضعف الايمان اگر کراهت بدل ندارد خوف زوال ایمان

است مسئلہ سوم است کہ چند روز قبل از نکاح منکوحہ را در مکان علیحدہ می نشانند و صحن خانہ

آن مکان ہم فرش نمی کنند ہند جائز است یا نہ و نیز این رسم ہندوستان است کہ وقت شادی با ہم بطور

نیوتہ چیزی می دہند جائز است یا نہ جواب این امور از قسم مباحات است کہ فعل و ترک در آن امور

برابر است و اصرار در امر مباح خواہ بر فعل باشد و خواہ بر ترک آن مکروہ گفتہ اند

وپارچه وزیور همراه آورده … هندو … بعضی از ایشان خود متکفل شاده
میشوند این طور درست … بر جائز است یا نه جواب چنین افعال موافق قواعد
اصول در شریعت … ست بشرطیکه هنده به نیت بر و صله بدید چنانچه آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم همراه حضرت فاطمه رضی الله عنها بطریق بر و صله سامان جهیز
پس دادن انقسم خیر یا بلا کراهت مباح است بلکه مستحب و اگر کسی دیر چنین قیمت
به نیت تفاخر و نام آوری و برای شهرت در مردم بدهد جائز نیست بلکه مکروه
خواهد شد زیرا که تفاخر و نام آوری و صرف اموال اند موهم است قال
رسول الله صلعم ان الله لا ینظر الی صورکم
ولکن ینظر الی قلوبکم واعمالکم رواه مسلم کذا فی المشکوة مسئله نوشته را
بدون حاجت غسل دادن و لباس سفید یا رنگین سوای معصفر پوشانیده و بر برات
سوار کردن وبلی انکه خانه عروس در محله دیگر یا قریه دیگر باشد نوشته را با مردمان برات
گشت دادن درست است یا نه جواب این غسل از مستحبات شرعی نیست
اگر برای تنظیف و تطهیر کنند بدرجه اباحت خواهد رسید و مباح است اگر مردم جهال باز جهه وجوب یا سنیت
فهمیده بعمل آرند پس آن مباح مکروه میگردد چنانچه بیان آن گذشت و لباس سفید پوشانیدن خانه نیست نیز را

کما فی الحمادیة من الشرعة واحب الالوان البیاض والنظر الی الخضر
یزید فی البصر وقد لبس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم البرد
الاخضر انتهی وهمچنین لباس سبز وسیاه وزرد که غیر مشبع معصفر باشد جائز است ولباس
زرد که از گل عصفر رنگ کرده باشد پوشیدن آن لباس هم مکروه است ولباسیکه برنگ احمر سوای
گل عصفر باشد مختلف فیه است ترک آن اولی باشد زیرا که در حمادیه آورده که روی الحسن
عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم انه قال وایاکم والحمرة فانها
من زینة الشیطان فان الشیطان یحب الحمرة انتهی و
سوار شدن عروس بر اسپ اگرچه در همراه مردان برای اظهار شوکت جائز نیست چنانچه مولانا
شاه عبدالعزیز قدس سره در بعضی تحریرات و بیانات لفافه خود در بیان رسومات قبیحات
نکاح نوشته اند ولا یجوز تضییع المال باحراق البارود
والکاغذ ورکوب الخیل والطوف بالبلد
من غیر حاجة قال الله تعالی ولا تکونوا کالذین
خرجوا من دیارهم بطرا ورئاء الناس واظهار المعازف
والملاهی واظهار لعب اللاعبین وستر

حیطان البیت بالثیاب الجمیلة تزیینا ودخول النساء
الاجنبیات علی الزوج بعد الفراغ من العقد
وکلامهن معه ومس انفه واذنه ووضع
النبات علی جبهته وامر الزوج بان یرفعه
بلسانه ووقوف النساء حول الزوج والزوجة عند الخلوة
کله من البدعات المحرمة انتهی ای اگر خانه عروس علیحده باشد و دیگر
مکان باشد سوار شدن نوشه و رفتن در مکان عروس بسبیل ضرورت جائز است مسئله
وقت پوشانیدن لباس بر نوشه را جمع حاضرین در مکان همراه در بدعت است
سیده درست است یا نه جواب دادن روپیه مال بدستی غیره بوقت حجامت حجام را در
اسلام جائز است و لیکن جبر و اکراه از جانب حجام برائی گرفتن آن نمی رسد زیرا که دادن
اینچنین وقت حجام را از قسم تبرع انعام است و تبرع انعام جبر نمی رسد که خواهد بدهد و هر که
خواهد ندهد و همین است ملامت کسی عاید نمیگردد مسئله ۱۸ روز ساچق مقرر نمودن
و در آن فرستادن میوه و تنقل و شیرینی و پارچه جوڑه و خوشبو وغیره که بخانه عروس ارسال مینمایند جائز است یا نه
و نیز رسم هندی از جانب عروس مقرر است که بعض روز بعد ساچق بخانه نوشه ارسال مینمایند

سه دیوارهای خانه درجا چهاجی نقش برای زینت و داخل شدن زنان اجنبیه نزد زوج بعد فارغ شدن از نکاح و جائز نیست کلام کردن زنان با زوج

و مس نمودن بینی و گوش او را و نهادن نبات بر پیشانی زوجه و حکم نمودن زوج را با یکی بر دارد نبات او را از زبان خود و جائز نیست جمع شدن زنان

تمت

اگر زوج خود و زوجه خلوت این همه از بدعات محرمه اند تمام شد کلام مولانا عبد العزیز ۱۲

و بر دست و پای نوشه هم می بندند درست است یا نه جواب فرستادن
میوه و شیرینی و خوشبو و پارچه و غیره از طرف نوشه جائز است و آنرا
کدام روز معین نیست بلکه فرستادن اینچنین اشیا بطریق هدیه و تحفه بلا تعیین
روز از فعل آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم ثابت شده چنانچه در تفسیر معالم التنزیل
مرقوم است فَانْکَحَهَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ زَیْدًا فَدَخَلَ
بِهَا وَسَاقَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِلَیْهَا عَشَرَةَ دَنَانِیْرَ
وَسِتِّیْنَ دِرْهَمًا وَخِمَارًا وَدِرْعًا وَاِزَارًا وَمِلْحَفَةً وَخَمْسِیْنَ مُدًّا مِنْ
طَعَامٍ وَثَلٰثِیْنَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ انتهی و این زید پسر خوانده آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم بود که بروز نکاح وی با زینب بنت جحش که دختر عمه آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم بود اشیاء مذکوره از جانب آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
که متکفل نکاح زید بود مرسل گردیده و در وقت ارسال این چیزها
تجمل و آرائش بمیان نیامده ارسال نمودن هدیه از جانب نوشه ثابت شد و بسیار
آرائش و غیره در ساچق که مروج هندیان است به ثبوت نرسیده پس مسلمان را پرهیز
لازم است که آنچه اصل آن از شرع شریف به ثبوت رسد بعمل آرد و آنچه اصلش در شریعت محمدیه نباشد

وبرای تفاخر و نام آوری پابند رسم کردن و اسراف نمایند جائز نیست
و در آرایش اسراف صریح است و گناه بی ادبی بنسبت کاغذ که بر آن نام
خدای تعالی می نویسند چنانچه صاحب مرآة الصفا فی سنة المصطفی می
گوید کار خیر نهالی ها از کاغذ ها درست می کنند بدانکه کاغذ ها قرطاس است
و بر قرطاس نام خدای تعالی می نویسند پس سازندگان و راضی شوندگان
گرفتار بعذاب می شوند انتهی و رسم حنابندی مرد بالغ را بلکه طفل صغیر را جائز
نیست شادی باشد یا غیر شادی قلیل باشد یا کثیر چنانکه در مسئله نهم گذشت
و در کتاب اشباه و نظائر این عبارت مرقوم

فِعْلُهُ حَرُمَ عَلَيْهِ فِعْلُهُ لِوَلَدِهِ الصَّغِيرِ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يَسْقِيَهُ خَمْرًا وَ
أَنْ يُلْبِسَ حَرِيرًا وَلَا أَنْ يَخْضِبَ يَدَهُ بِحِنَّاءٍ أَوْ رِجْلَهُ انتهى وفي احتساب
الاحتساب وَلَا يَنْبَغِي خِضَابُ الْيَدِ وَالرِّجْلِ لِلذُّكُورِ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا
وَلَا بَأْسَ بِهِ لِلنِّسَاءِ از عبارت معلوم شد که استعمال حنا برای مردان حرام است
مانند استعمال حریر و ذهب و فضه اگرچه طفلان صغیر باشند و برای زنان جائز است بلکه سنت
اگرچه صغیره باشند چنانچه در فتاوی حجیه از کنز العباد آورد الْحِنَّاءُ سُنَّةٌ لِلنِّسَاءِ

کافر شود و سید آدم بنوری در کتاب خود از کتاب علم الهدی نقل کرده است
که در نکاح چند چیز کفر است و چند چیز هم کفر و بعضی بدعت پس هر که این بجا آرد
علاقهٔ زوجیت از میان هر دو طرف شود و آن نکاح از اهل اسلام نباشد و فرزند
آن نکاح که متولد شود نسب آن فرزند ثابت نشود و اگر ثابت شود بحرام زادگی
منسوب گردد یکی بستن کنگنه این کفر صریح است که سازنده و راضی این
عمل کافر میگردد دیگر آنکه جلوه می دهند که مشتمل بر انواع فضیحتها و رسوائیهاست دیگر آنکه
بر خاطر خطیب مادر و خواهر زنان دیگر دامنی می اندازند و بر سر مخطوبه وشاحی می نهند دیگر آنکه از این
فعل [illegible] میشوند دیگر آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده لعنت خدا
بر مردی که خود را مانند زنان کند و لعنت خدا بر زنی که خود را مانند مردان کند دیگر
آنکه انگشت مخطوبه از شیر و آب میشویند و خاطب را می نوشانند این نیز از رسوم گبران
است و هم کفر دیگر آنکه پاره نبات بر اندام زن می نهند و مرد آنرا به این نحو میگیرد و
در این افعال فاسق میشوند و آن نیز از رسوم گبران است و مشابهت بچهارپایان
دارد دیگر آنکه در وقت جلوه ریسمان سرخ می آرند و در گلوی خاطب می اندازند و مشاطه را تخت
عاطل میشود هر یک را عضو خاطب بلکه اندام بهاقی او را بیجا و زنان نظاره میکنند و خنده در این افعال جمله

ملعون میشوند دیگر آنکه دستارها به پیچ می‌پیچند تا آنکه اهانت مسجد و محراب و شمله
دستار پیر ساختند و اهانت این چیزها کفر است دیگر آنکه خاطب گرد مخطوبه هفت بار
میگردد و این از رسوم کفار است و بیم کفر دیگر آنکه فرج زن را شربت میشویند و
زن و ران بول نیز میکنند و مردان را می نوشانند و درین نیز بیم کفر است دیگر
آنکه پیرهن سیاه مرد از بهر زینت می پوشند این هم باتفاق مکروه است اگر گویند که این را
و مذهبی است کافر شوند دیگر آنکه خاطب را طوق نقره و بعضی از پیرایه زنان می
پوشانند این نیز بدعت سیئه است انتهی عبارت الستینیه و رسم آرسی مصحف که مروج
این دیار است در شریعت محمدیه اصلی ازان در کتابی نبود آن هم بدعت
است که ترک آن انسب و الیق مسئله سواری برات نقاره نواختن
برای اعلان نکاح جائز است یا نه جواب نواختن نقاره برای اعلان
نکاح حرام است چنانچه از عبارت هدایه استفاده میگردد و دلت المسئلة علی ان
الملاهی کلها حرام الی آخر ما قال و فتاوی کبیری آورده که زدن طبل و شنیدن آن حرام
است زیرا که این همه لهو است مگر طبل حرب مسلمانان با کفار جائز است زیرا که آواز نقاره
غازیان پراکنده مجتمع میشوند پس بمقام زدن طبل عبادت است نه معصیت انتهی و دهل تاشه و غیره

ويحرم استعمال

الآلات التي تطرب من غير غناء كالعود والطنبور

والمعزفة والطبل والمزمار وعن مجاهد رضي الله عنه انه

قال سمع عبد الله بن عمر رضي الله عنه صوت طبل فادخل اصبعيه

في اذنيه وقال هكذا رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله

وسلم يصنع وعن مكحول عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

قال استماع الملاهي معصية والجلوس عليها فسق والتلذذ بها من الكفر

انتهى وفي الترصيع شرح المنظومة ولا نكحة التي تنعقد في مجالس الملاهي

والمزامير تكون مختلفا فيها بوجهين احدهما يفسق الولي لانه تولاها احضر الملاهي

والمعازف وامرهم بذلك واعطى المغنين على ذلك الاجر والثاني ان

الحاضرين صاروا فسقة لاستماعهم ذلك فلم يبق الولي وليا والحاضرون

شهودا عنده وفي خزانة الرواية من الظهيرية واعلم ان جنس هذه

المسائل ثلثة انواع منها ما يكون خطأ والكفر لا

يوجب الكفر فهي مرتابة بلا توبة ولا استغفار

نیک بهره مند خواهد شد و در گرفتاری اعمال بد بجز حسرت و ندامت و اندوه

و ملامت ثمره نخواهد دید و ندای نفسی نفسی از هر که و مه خواهد شنید فافهم و تأمل

مسئله وقت رسیدن نوشه بخانهٔ عروس لباس عنایتی خسر خانه می پوشد

و آن تا به رسیدن خانهٔ خود پوشیده می آید درست است یا نه جواب

پوشیدن این لباس مباح است بشرطیکه از قسم حریر و رنگ معصفر و رنگ

مزعفر و تاش و بادله وغیره که مرد را پوشیدن آن حرام است نباشد و

نیز بطریق اسراف و تکبر نباشد قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

کُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَتَصَدَّقُوْا وَالْبَسُوْا مَا لَمْ یُخَالِطْ اِسْرَافٌ وَّلَا مَخِیْلَۃٌ

منع از پوشیدن حریر و زر صراحةً ازین حدیث ثابت است قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اُحِلَّ الذَّھَبُ وَالْحَرِیْرُ لِلْاِنَاثِ مِنْ اُمَّتِیْ وَحُرِّمَ عَلٰی ذُکُوْرِھَا

منع از پوشیدن رنگ معصفر ازین حدیث معلوم میشود قَالَ عَبْدُ اللّٰہِ بْنُ عَمْرِو بْنِ

الْعَاصِ رَاٰی رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ عَلَیَّ ثَوْبَیْنِ مُعَصْفَرَیْنِ فَقَالَ

اِنَّ ھٰذَا مِنْ ثِیَابِ الْکُفَّارِ فَلَا تَلْبَسْھُمَا وَفِیْ رِوَایَۃٍ قُلْتُ اَغْسِلُھُمَا قَالَ بَلْ اَحْرِقْھُمَا

و در حدیث صحیح [illegible] عن انس قال نهی النبی صلی الله علیه وآله وسلم ان یتزعفر الرجل کذا فی المشکوة

در فتاوی حمادیه از خانیه نقل کرده ویکره للرجال ان یلبس الثوب
المصبوغ بالعصفر والزعفران والورس انتهی و پوشیدن لباس نقره
در اصل حکم پوشیدن لباس طلائی است لان الفضة فی حکم الذهب
کما نفهم من عبارة الهدایة التی مرت سابقا والله اعلم وعلمه احکم

مسئله بعد نکاح به قاضی و وکیل و شاهدان که از طرف عروس می آیند
بخوشی خود بدون مطالبه ایشان چیزی دادن جائز است یا نه جواب دادن این
مردمان بدون مطالبه جبر از طرف ایشان مباح است و اگر جبر کنند و خواه مخواه بگیرند و از
طلب نمایند و بگیرند پس مباح نیست چنانچه در کتاب خزانة الروایه مرقوم است وما سنة القضاة
فی دار الاسلام ظلم صریح وهو ان یاخذوا من الانکحة شیئا ثم یجیزون
اولیاء الزوج والزوجة بالمناکحة فانهم ما لم یرضوا بشیء من اولیائهما لم یجیزوا
بذلك فانه حرام للقاضی والمناکح انتهی و اولی در باب نکاح آنست که وکیل نکاح [illegible] باشد که
لیاقت عقد نکاح [illegible] دین [illegible] دارد و الفاظ ایجاب و قبول را موافق کتب فقه از عاقدین وا
نماید تا نکاح شان باتفاق علمای اربعه مجتهدین صحیح گردد و اگر قاضی غیر وکیل مذکور باشد و روبروی الوکیل
ایجاب و قبول کنانند نزد علمای حنفیه جائز است چنانچه در فتاوی حمادیه از خانیه می نویسد

الوکیل بالتزویج لیس له ان یوکل غیره فان فعل فزوج
الثانی بحضرته الاول جاز انتهی وسنت درینباب آنست که
ولی مخطوبه خود خطبهٔ نکاح که مسنون است بخواند و از عاقدین ایجاب و قبول کناند
زیرا که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم وقت نکاح حضرت فاطمه با حضرت علی
رضی الله عنهما اینچنین عمل آورده بود چنانچه در مواهب لدنیه مرقوم است
عن انس قال جاء ابوبکر ثم عمر یخطبان فاطمة الی النبی
صلی الله علیه وآله وسلم فسکت ولم یرجع الیهما
شیئا فانطلقا الی علی یامرانه بطلب ذلک قال علی فنبهانی
لامر فقمت اجر ردائی حتی اتیت النبی صلی الله علیه وآله وسلم
فقلت تزوجنی فاطمة قال وعندک شیء قلت فرسی وبدنی
قال اما فرسک فلا بد لک منها واما بدنک فبعها فبعتها
باربع مائة وثمانین درهما فجئته بها فوضعها فی حجره فقبض منها
قبضة فقال ای بلال ابتع لنا بها طیبا وامرهم ان یجهزوها
فجعل لها سریر مشرط ووسادة من ادم حشوها

حکم می کردند حضرت علی را
بطلب نکاح فاطمه
گفت حضرت علی
پس آنگاه کردند مرا
باین امر پس جمع
می کشیدم چادر خود را
تا آنکه آمدم نزد نبی
صلی الله علیه وآله وسلم
پس گفتم نکاح کن
با من فاطمه را فرمود
حضرت آیا نزد تو
چیزی هست گفتم
اسپ من هست و زره
فرمود اسپ ضرور
است ترا و زره
خود بفروش
پس فروختم او را
بچهار صد و هشتاد
درهم پس آوردم
نزد حضرت آنها را
پس داشتند آنها را
حضرت در کنار خود
پس گرفت از آنها
یک مشت باز
فرمود ای بلال
بخر برای ما
از اینها خوشبو

لیف وقال لعلی اذا اتتک فلا تحدث شیئا حتی اتیک

فجاءت مع ام ایمن حتی قعدت فی جانب البیت وام فی جانب و جاء

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قال ههنا اخی قالت ام ایمن اخوک

وقد زوجته بابنتک قال نعم ودخل صلی الله علیه وسلم فقال

لفاطمة ایتینی بماء فقامت الی قعب فی البیت فاتت بماء فاخذه ومج فیه

ثم قال لها تقدمی فتقدمت فنضح بین ثدییها وعلی راسها وقال

اللهم انی اعیذها بک وذریتها من الشیطان الرجیم ثم قال لها ادبری

فادبرت فصب بین کتفیها ثم فعل مثل ذلک لعلی ثم قال

له ادخل باهلک بسم الله والبرکة اخرجه ابو حاتم واحمد فی المناقب و

حدیث انس رضی الله عنه عند ابی الخیر القزوینی الحاکمی خطبها

علی بعد ان خطبها ابو بکر ثم عمر رضی الله عنهما فقال علیه السلام

قد امرنی ربی بذلک قال انس رضی الله عنه ثم دعا علیه السلام

فقال لی یا انس ادع لی ابا بکر وعمر

وعثمان وعبد الرحمن وعدة من الانصار فلما

اجمعين واخذوا مجالسهم وكان علي غائباً فقال صلى الله عليه

واله وسلم الحمد لله المحمود بنعمته المعبود بقدرته المطاع بسلطانه

المرهوب من عذابه وسطوته النافذ امره في سمائه وارضه الذي

خلق الخلق بقدرته وميزهم باحكامه واعزهم بدينه واكرمهم

بنبيه محمد صلى الله عليه واله وسلم ان الله تبارك اسمه وتعالت

عظمته جعل المصاهرة سبباً لاحقاً وامراً مفترضاً اوشج به

الارحام والزم الانام فقال عز من قائل وهو الذي خلق من الماء

بشراً فجعله نسباً وصهراً وكان ربك قديراً فامر الله تعالى يجري

الى قضائه وقضاؤه يجري الى قدره ولكل قضاء قدر ولكل قدر

اجل ولكل اجل كتاب يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب ثم

ان الله عز وجل امرني ان ازوج فاطمة من علي بن ابي طالب

فاشهدوا اني قد زوجته على اربعمائة مثقال فضة ان رضي بذلك

علي ثم دعا صلى الله عليه واله وسلم بطبق من بسر ثم قال انتهبوا فانتهبنا

ودخل علي فتبسم النبي صلى الله عليه واله وسلم في وجهه

ثم قال ان الله عز وجل امرني ان ازوجك فاطمة على اربعمائة مثقال
فضة ارضيت بذلك فقال قد رضيت بذلك يا رسول
فقال عليه السلام جمع الله شملكما واعز جدكما وبارك عليكما و
اخرج منكما كثيرا طيبا قال انس فوالله لقد اخرج الله منهما الكثير
الطيب انتهى عبارة المواهب و در خطبه بكرست كه خواندن آنهم سنت
ثابت شده پس در جواب سؤال آينده عنقريب بيايد انشاء الله تعالى
مسئله وقت ايجاب وقبول معمول است كه قضاة اينديار اول از ايجاب و
قبول كلمه طيب و آمنت بالله و دعاى قنوت وغيره ميخوانند اين طريقه
مسنون است يا نه و در ا[illegible] ا گفت[illegible] يكبار كفايت مى كند يا تكرار سه بار
ضرورست و قبل ايجاب وقبول متولى نكاح را خواندن خطبه سنت است يا بعد
ازان و كدام خطبه خواندن مسنو[illegible]ت جواب مسنون در نكاح همين است
كه ا[illegible] خطبه با ئمه مذكوره [illegible] بعد ازان ايجاب وقبول ميان عاقدين
واقع كرده و گفتن ايجاب وقبول يكبار كافى است حاجت تكرار سه بار نيست چنانچه
در عقود بيع و شرا و هبه وغيره يكبار كفايت ميكند و خوانانيدن كلمه طيب و آمنت بالله وغيره

عاقدین را وقت نکاح از صحابه و سلف ماثور نیست مگر چون عقیدهٔ عاقدین
خلاف اسلام من باشد لهذا معلوم کرده آن وقت بطریق تجدید اسلام خوانانیدن
کلمهٔ طیبه و غیره بر حضرات التزام این تلقین با وصف درستی عقیده خالی از
جهل نیست از تتبع کتب احادیث و کتب سیر چنان معلوم گردیده که خطبهٔ نکاح که معمول
صحابه و صلحای سلف بوده دو خطبه است یکی آنکه آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم آنرا
وقت تزویج فاطمه رضی الله عنها خوانده بود چنانچه در جواب سوال سابق مرقوم
گردیده دوم آنکه نجاشی پادشاه حبشه وقت عقد نکاح حضرت ام حبیبه رضی الله عنها
با آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم در حبشه خوانده بود چنانچه صاحب مواهب
لدنیه آنرا با قصه نکاح نوشته که خلاصهٔ آن در اینجا مرقوم میکرده شود که
چون عبدالله بن جحش زوج ام حبیبه رضی الله عنها بحبشه هجرت نموده و همراه خود او را
بطریق هجرت برده بود و بعد رسیدن حبشه از تقدیر الهی نصرانی گشته بود و این خبر را
کسی از یاران با آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم برده و
گفت که ام حبیبه رضی الله عنها بر اسلام خود ثابت و
مستقر است آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم عمرو بن امیه ضمیری را بسوی نجاشی

[illegible] ام حبیبہ رضی اللہ عنہا [illegible]

برای پیام نکاح خود با ام حبیبہ رضی اللہ عنہا فرستاد نجاشی ہمان وقت ابرہہ

نام کنیز خود را بہ نزد وی فرستادہ گفت کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

بمن نوشتہ کہ تزویج کنم ترا با آن حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پس [illegible] ازین بشارت

گردید و دو کنگن و یک انگشتری خود را بطریق انعام با ابرہہ بخشید و در پیغمبر خالد بن سعید را

از طرف خود وکیل ساخت نجاشی وقت شام جعفر بن ابی طالب را با جمیع حاضرین جمع کرد و این

خطبہ خواند الحمد للہ الملک القدوس السلام المؤمن المہیمن العزیز

الجبار اشہد ان لا الہ الا اللہ وان محمدا عبدہ ورسولہ ارسلہ بالہدی

ودین الحق لیظہرہ علی الدین کلہ ولو کرہ المشرکون

بعد از خواندن این خطبہ نکاح نجاشی گفت اما بعد پس اجابت کردم آن چیز را

کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم [illegible] بمن گفتہ فرستاد و چہار صد

دینار سرخ پیش قوم انداختہ گفت کہ این قدر مہر مقرر ساختم [illegible] از آن

خالد بن سعید وکیل طرف ثانی گفت الحمد للہ احمدہ واستعینہ

و [illegible] اشہد ان لا الہ الا اللہ

وحدہ لا شریک لہ [illegible] محمدا عبدہ ورسولہ

لہ یعنی جمیع حمد از برای آنکہ پادشاہ پاک ذات سالم از ہر عیب امن دہندہ حفاظت کنندہ غالب [illegible] گواہی میدہم بآنکہ نیست معبود حق مگر اللہ تعالی و تحقیق محمد بندہ او و رسول او است کہ فرستادہ است او را بہدایت و دین حق تا کہ غالب کند آن دین را بر جمیع ادیان اگرچہ کراہت دارند مشرکان ۱۲

رسوله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
ولو كره المشركون اما بعد پس اجابت نمودم آنرا که رسول خدا صلی الله علیه واله
وسلم بان دعوت فرستاد وتزویج کردم ام حبیبه بنت ابی سفیان را با رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم فبارک الله لرسول الله صلی الله علیه واله وسلم
پس نجاشی این دینارها را بخالد بن سعید داد و خالد آنرا در قبضه خویش نهاد
پس مردمان چون خواستند که برخاسته بروند نجاشی از ایشان گفت بنشینید که
سنت انبیا علیهم السلام هست که بعد نکاح چیزی از قسم طعام تناول نمایند پس
طعام طلبیده ایشان را خورانید بعد ازان متفرق شدند پس نجاشی ام حبیبه رضی الله
عنها را همراه شرحبیل بن حسنه کرده نزد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرستاد
الکل من المواهب اللدنیه وخطبه سوم انکه در مشکوة شریف بروایت عبد الله
بن مسعود رضی الله عنه واقع گردیده وآن مشهور و معمول به علماء زمانه
است که قبل از نکاح آنرا میخوانند بعد ازان ایجاب وقبول می کنانند
مرقوم میشود الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من
شرور انفسنا ومن سيئات اعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلله

فلا هادی له واشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
ورسوله یا ایها الذین امنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم
مسلمون یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة
وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا کثیرا ونساء واتقوا الله الذی
تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیبا یا ایها الذین
امنوا اتقوا الله وقولوا قولا سدیدا یصلح لکم اعمالکم ویغفر لکم ذنوبکم
ومن یطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظیما بعده قاضی یا کسیکه
مباشر نکاح باشد از خاطب بگوید اما بعد پس مسماة فلانی بنت فلان را
بمقابله مهر کذا در عقد نکاح تو دادم خاطب در جواب آن بگوید قبول کردم
ایجاب و قبول واقع گردید پس معنی قاضی را با کسی که خطبه نکاح
بخواند و این کلمات عقد ایشان خاطب یا نزد ولی خاطب بگوید
ایجاب [illegible] شد وآنکه در جواب [illegible] شود از طرف خاطب یا
از طرف ولی خاطب یا قبول نامند و در [illegible] عکس یعنی اگر ابتدا از طرف
خاطب یا از طرف ولی خاطب کلامی متضمن طلب تزویج با مخطوبه [illegible] مخطوبه [illegible] و

از اهم ایجاب خوانند و آنچه در جواب آن از طرف مخطوبه
یا ولی مخطوبه گفته شود آن را قبول گویند حاصل کلام آنکه قول اول را
ایجاب و قول ثانی را قبول میگویند مسئله ۲۵ اگر شخصی از
جانب خاطب یا از طرف مخطوبه مرد دیگری را بگوید که ما یان را از رسوم
مروجه این دیار چاره نیست موافق شرع باشند یا نه زیرا که محفل شادی
بدون این امور مثل محفل سوم میت نمیشود و ما یان تابع رسوم اهالی ما ایم شاید
باشد یا غیر شما را اختیار است که در خانهٔ خود هر چه خواهید بکنید و ما یان در خانهٔ خود
هر چه خواهیم بکنیم عیسی بدین خود موسی بدین خود و بر ما یان حکومت شما نمیرسد
درینصورت بر قائلین این کلمات از روی شریعت چیزی میرسد یا نه و در مردم
طرفانی که پابند حکم خدا و رسول اند شریک مجالس ایشان شوند یا نه جواب
گفتن این کلمات بیهوده را بر زبان آرد و از روی حکم شرع شریف
در حق وی گفتن اینچنین کلمات نهایت مذموم و قبیح خواهد شد
چرا که حکم خدا و رسول را در مقابله رسوم بروجه جهل و سبک انگاشته
و رسوم مروجه که اکثر آنها مشتمل بر گناهان و بدعت و ضلالت است محکم و مضبوط گرفته گویا

کار دنیا الاامور آخرت ترجیح داده پس اگر وی تا آخر بهمان نهج
بسر کند خوف زوال ایمان است معاذ الله من ذلک و ذکر
فی الذخیرة واذا قال الرجل لغیره حکم الله [illegible] هذا [illegible]
کذا فقال ذلک الغیر من برسم کار میکنم مشرع فی هذا عند بعض
المشائخ انتهی و برا لازم هست که زود توبه کند و از رسوم خلاف شرع
باز آید اگر توبه نکرد و بران اصرار نمود پس اصرار بر گناه صغیره منجر بکبیره میگردد چنانچه صاحب
[illegible] زین الائمه شهاب الملة والدین حسن بن [illegible] البزنی نقل می کند حکی عن
ابی نصر الدبوسی عن قاضی ظهیر الدین الخوارزمی رحمهما الله علیه
من سمع الغناء من المغنی او من غنا المغنی او یری فعلا من الحرام
فیستحسن ذلک باعتقاد او غیر اعتقاد یصیر مرتدا فی الحال بناء علی
انه ابطل حکم الشریعة ومن ابطل [illegible] لایکون مؤمنا عند
کل مجتهد ولا یقبل الله تعالی طاعته واحبط الله تعالی کل [illegible]
وبانت منه امرأته فان تاب لایجب القتل
والا یضرب عنقه لقوله علیه السلام من بدل

دینه فاقتلوه فان قتله قاتل قبل عرض الاسلام کره ذلک و
لا شیٔ علیه انتهی و ایضا فیه فان صحة التصدیق و الاقرار
بالتوحید لا یکون مع انکار شیٔ من الشرائع فقال محمد رح فی السیر
الکبیر من انکر شیئا من الشرائع فقد ابطل قوله لا اله الا الله
حکی ان موسی علیه السلام لما رجع غضبان اسفا و اسمع اصواتهم
و کانوا یرقصون حول العجل و یضربون الدفوف و المزامیر فقال
هذا صورة الفتنة انتهی پس جائیکه امور نامشروعه مثل رقص و آلات
لهو از قسم معازف و مزامیر که نقاره و دهل و تاشه و مرفه و چنگ و رباب
است و آتش بازی و آرایش وغیره موجود باشند خواه در مجلس عقد نکاح
و خواه در محفل دیگر از تقریبات که از مثل این امور باشند رفتن و شریک شدن
آنجا از روی حکم شریعت جائز نیست بلکه حرام است چنانچه در کتب فقه و حدیث
مشهور و جا بجا مرسوم است قال الشیخ عبد القادر الجیلانی رضی الله عنه فی کتابه
غنیة الطالبین هذا اذا کان خالیا عن المنکر فان حضر هناک الطبل
و المزمار و العود و الناي و الرباب و المعازف و الطنابیر و الشین و الشبابة و الدف

الذی یلعب به الترک لا یجلس هناک لان جمیع ذلک محرم
انتهی و بر مسلمان واجب است که از امور منہیات و معصیت و از خاطر داری
اہل بدعت اگرچہ اقرب اقربا باشند مثل مادر و پدر و برادر و پسر و زوجہ و غیرہ اجتناب نماید قال علیه الصلوة والسلام لما وقعت
بنو اسرائیل فی المعاصی نهتهم علماءهم فلم ینتهوا فجالسوهم
فی مجالسهم وآکلوهم وشاربوهم فضرب الله قلوب بعضهم
ببعض فلعنهم علی لسان داود وعیسی ابن مریم ذلک
بما عصوا وکانوا یعتدون کذا فی المشکوة وقال الله فلا تقعد
بعد الذکری مع القوم الظالمین و نیز جائیکہ منکرات شرعی باشند
حق دعوت لازم نمیشود در ولیمہ گذشت **مسئلہ**
سرود و سرود شنیدن ڈومنی ہا با دف در محفل زنان و جز آن جائز نیست با نہ جواب در سرود مجرد از آلات لہو اختلاف علماء است بعضی آن را
مباح مطلق گفتہ و بعضی مکروہ مطلق تا در بحر الرائق گفتہ کہ اصل آن حرمت
است مطلقا کما نقل فی الدر المختار حیث قال ومنهم من اباحه مطلقا

كرهٌ مطلقاً وفي البحر والمذهب حرمته مطلقاً فانقطع
الاختلاف بل ظاهر الهداية انه كبيرة ولو لنفسه
انتهى عبارة الدر و في الحماديه عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم ما من رجل
يرفع صوته بالغناء الا بعث الله عليه شيطانين احدهما
على هذا المنكب والآخر على هذا المنكب فلا يزالان يضربان
بارجلهما حتى يكون هو الذي يسكت انتهى و دف يعني
برائے اعلان نکاح مباح است كما قال في الهداية فاما طبل الغزاة والدف
الذي يباح ضربه في العرس يضمن بالاتلاف من غير خلاف
پس از عبارت ہدایہ و در مختار معلوم شد کہ غنا در اصل مذہب حرام است و زدن
دف بی نغمہ مباح است برائے اعلان نکاح كما في تنبيه الانام من السراجي
عروسی است و دف بہر اعلان نکاح وقتیکہ دف جلاجل دار نباشد و زدن آن
نیت لہو و سرور نباشد زیرا کہ مکروہ است لعب و غنا و غیر آن
است کہ شنیدن ملاہی و نشستن بر آن فسق است آنانکہ بنا بر
اعلام تزویج چنان باید زد چنانکہ طبل را می نوازند انتهى و في الحماديه قال

مکروہ گفتند مطلق
و در بحر الرائق نوشتہ
کہ اصل مذہب حرمت
آن است مطلقا پس
منقطع گشت اختلاف
بلکہ ظاہر ہدایہ این است
کہ تحقیق آن از کبیرہ است
اگرچہ برای نفس خود
باشد تمام شد عبارت
در مختار و در حمادیہ
منقول است از نبی
صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم
کہ نیست کسی شخص کہ بلند
کند آواز خود بسرود
مگر آنکہ [illegible]
خدای تعالی بر او
دو شیطان کہ یکی
از آنہا بر یک شانہ
باشد و دوم بر
شانہ دیگر پس ہمیشہ
میزنند آن شخص را
بہر دو پای خود تا وقتیکہ
آن شخص خاموش
شود ۱۲

نکاح مباح است پس ظاهر اوادن و گرفتن چیزی بران رسم مباح خواهد شد
حاصل جواب آنست که مغنی و مغنیه یعنی ڈوم و ڈومنی اگر ضرب دف را
با تغنی جمع کنند ایشانرا گرفتن اجرت بران جائز نیست پس دهنده را هم
چیزی نقد و پارچه دادن بران جائز نخواهد شد مسئله ۲۷ وقت رخصت شدن
برات حسب مقدور برای دادن کمینان یعنی باهل خدمت از قوم را اول چیز
نقد از قسم دراهم و دنانیر بوالیان عروس داده باز می آیند درست است یا نه
جواب صرف کردن مال درین قسم چیزها اگر بنیت احسان و سلوک باشد
جائز است و اگر برای نام آوری و سمعه صرف کنند جائز نیست اگر مردمان
در صرف نمودن این چیزها پابند رسم میباشند بنابران برای نام صرف می کنند
قَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ مَنْ سَمَّعَ سَمَّعَ اللّٰهُ بِهٖ وَمَنْ یُرَائِی
یُرَائِی اللّٰهُ بِهٖ کذا فی المشکوة مسئله ۲۸ وقت رخصت شدن برات فقراء و
مساکین از مسلمانان و قوم هنود جمع میشوند ایشانرا چیزی دادن و تقسیم
نمودن جائز است یا نه جواب اگر آنوقت بطریق شکر یا تصدق نیت فقراء و
مساکین هر دو گروه چیزی دهد جائز است بلکه مستحب است که در حدیث شریف آمده

مَنْ سَأَلَ بِاللّٰهِ فَأَعْطُوهُ کذا فی المشکوة و اگر برای غم آوری بدہد

نیست زیرا که درین امور اعتبار نیت است قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ متفق علیه تصدق آب بر

ساکنین هیچ گاه نا مشروع نیست چنانچه در مشکوة شریف آمده عَنْ بُهَيْسَةَ

عَنْ اَبِيْهَا قَالَتْ قَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَنْعُهُ قَالَ

الْمَاءُ قَالَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَنْعُهُ قَالَ الْمِلْحُ قَالَ

يَا نَبِيَّ اللّٰهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَنْعُهُ قَالَ اَنْ تَفْعَلَ الْخَيْرَ خَيْرٌ لَكَ

رواه ابوداود و نیز در حدیث قدسی وارد شده قال رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه

وآله وسلم قال اللّٰه تعالیٰ اَنْفِقْ يَا ابْنَ آدَمَ اُنْفِقْ عَلَيْكَ مسلم خیرات نقد

و غله و نان پخته برای تقسیم محتاجان ... بدون بعد میت و ...

بانه جواب تقسیم کردن نقد و غله وغیره بعد میت از ترکه آن به محتاجان

به نیت ثواب جائز است بشرطیکه وارثانش کبار باشند و اگر صغار باشند

و اگر وارثان میت صغار باشند بدون تقسیم ترکه تصدق جائز نیست و

بدون این خبر نان بر جنازه رسم جاهلیت است از شرع شریف ثابت نیست و

چیزیکه تغلیظش و در اصل شریعت یافته نمی شود کردن آن چیز مکروه است یا
حرام اما دادن تصدق بفقرا و مساکین برای ثواب میت بی آنکه همراه
جنازه ببرند جایز است زیرا که برای ثواب میت چیزیکه بمحتاجان میدهند
مستحب آنست که بی روی و ریا و بی تعیین وقت و رغبت باشد و الا بدعت
میگردد و در خصوصیت دادن ایشان خالی از کراهت نخواهد شد والله یهدی من
یشاء الی صراط مستقیم مسئله ثواب عبادت بدنی و مالی برای میت بعد
وفات میرسد یا نه جواب نزد علماء حنفیه ثواب عبادت بدنی و مالی بمیت
میرسد چنانچه در هدایه مرقوم است اِنَّ الْاِنْسَانَ لَهٗ اَنْ یَّجْعَلَ ثَوَابَ
عَمَلِهٖ لِغَیْرِهٖ صَلٰوةً اَوْ صَوْمًا اَوْ صَدَقَةً اَوْ غَیْرَهَا عِنْدَ اَهْلِ
السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ انتهی و فی شرح الصدور للسیوطی اخرج الطبرانی فی الاوسط
عَنْ اَنَسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
یَقُوْلُ مَا مِنْ اَهْلِ بَیْتٍ یَمُوْتُ مِنْهُمْ مَیِّتٌ فَیَتَصَدَّقُوْنَ عَنْهُ
بَعْدَ مَوْتِهٖ اِلَّا اَهْدَاهَا لَهٗ جِبْرَئِیْلُ عَلٰی طَبَقٍ مِنْ نُوْرٍ ثُمَّ یَقِفُ عَلٰی شَفِیْرِ
الْقَبْرِ فَیَقُوْلُ یَا صَاحِبَ الْقَبْرِ الْعَمِیْقِ هٰذِهٖ هَدِیَّةٌ اَهْدَاهَا اِلَیْكَ اَهْلُكَ فَاقْبَلْهَا

فيدخل عليه فيفرح بها ويستبشر ويحزن جيرانه الذين
لا يهدى اليهم بشيء وايضا عن ابى هريرة قال قال رسول الله
صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى ليرفع درجة للعبد
الصالح في الجنة فيقول يا رب انى لى هذه فيقول باستغفار
ولدك لك انتهى و شيخ عبد الحق محدث دهلوى قدس سره در جامع البركات منتخب شرح
مشكوة نوشته در حصول ثواب و وصول نفع اموات بعبادات ماليه اتفاق است
بدنيه مثل نماز گزاردن و قرآن خواندن اختلاف و اصح حصول است كذا قال الشيخ ابن
الهمام رحمة الله عليه انتهى مسئله ١٣ مستحب است كه بعد وفات اهل قرابت و همسايگان
[illegible]
مستحب است كه همسايگان و اقرباى ميت ... طعام تيار كرده تا
روز بعد سيرى شكم ايشان ارسال نمايند چنانچه بدان شرح مواهب
ويستحب للجيران واهل البيت والاقرباء بان
يهيئوا طعاما لهم يشبعهم يومهم وليلتهم انتهى عن
عبد الله بن جعفر قال لما جاء نعي جعفر قال النبي صلى الله

عَلَیْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ اِصْنَعُوْا لِاٰلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَاِنَّهٗ قَدْ جَاءَهُمْ
مَا یَشْغَلُهُمْ رواه الترمذی وهکذا فی المشکوة مع فرق بعض الالفاظ و در
جامع البرکات می‌نویسد که در حدیث دلیل است بر آنکه مستحب است خویشان
و همسایگان و دوستان را تیار نمودن طعام برای اهل بیت و بعضی گفته
اند که فرستادن برای اهل مصیبت روز اول غیر مکروه است از جهت
شغل تجهیز میت و در روز دوم مکروه است اگر زنان نوحه کنند جمع شوند از جهت
بودن آن اعانت بر اثم و عدوان و اختلاف کرده اند در اکل غیر اهل مصیبت
آن طعام را و ابوالقاسم گفته که باک نیست مر کسی را که مشغول است بتجهیز میت
کذا فی مطالب المؤمنین انتهی مسئله ۳۲ در تعزیت میت رفتن و هر دو دست برداشته
سورهٔ فاتحه خواندن جائز است یا نه جواب رفتن برای تعزیت میت
جائز است و دعای مغفرت برای او نمودن مستحب است و همچنین دعای
خیر برای اهل بیت چنانچه در فتاوی عالمگیری مرقوم است و یستحب
اَنْ یُقَالَ لِصَاحِبِ التَّعْزِیَةِ غَفَرَ اللّٰهُ تَعَالٰی لِمَیِّتِكَ وَتَجَاوَزَ عَنْهُ وَتَغَمَّدَهٗ
بِرَحْمَتِهٖ وَرَزَقَكَ الصَّبْرَ عَلٰی مُصِیْبَتِهٖ وَاٰجَرَكَ عَلٰی مَوْتِهٖ كَذَا فِی الْمُضْمَرَاتِ

ناقلاً عن الحجة واحسن ذلك تعزية رسول الله صلى الله عليه

وآله وسلم ان لله ما اخذ وله ما اعطى وكل شيء عنده باجل

مسمى انتهى اما دست برداشتن برای دعا وقت تعزیت ظاهرا جوازیست

زیراکه در حدیث شریف رفع یدین در دعا مطلقا ثابت شده پس در تعزیت

هم مضایقه ندارد لیکن تخصیص آن برای دعا وقت تعزیت ماثور نیست

والله اعلم مسئله جهت تعزیت تا چند روز بخانه میت رفتن جائز است

جواب تعزیت نمودن از وقت موت تا سه روز جائز است و بعد سه روز

تعزیت کردن مکروه است مگر تعزیت کننده یا کسیکه نزد وی برای تعزیت

بروند غائب باشد پس بصورت بعد سه روز هم اگر تعزیت کنند جائز است

و باید که برای تعزیت یکبار بروند چون یکبار از تعزیت فارغ شده باشند

بار دیگر برای تعزیت نمی شاید کما فی العالمگیریة [illegible]

زیاد واذا عزى اهل الميت مرة فلا ينبغي ان يعزيه مرة اخرى

ووقتها من حين يموت الى ثلاثة ايام ويكره بعدها الا ان

يكون المعزي والمعزى اليه غائبا فلا باس بها انتهى وحضرت شیخ

عبدالحق در جامع البرکات آورده که مستحب است تعزیت پیش از
دفن و بعد از وی تا سه روز و معنی تعزیت صبر و شکیبائی فرمودن است مصیبت‌زده را
و عزا بمعنی صبر است و مکروه است که بنشینند بر در خانه خود و مردم جمع شوند و
تعزیت نمایند بلکه چون از دفن فارغ شوند برگردند و متفرق شوند و صاحب میت بکار خود
مشغول گردد و مردم نیز بکارهای خود مشغول گردند و تعزیت زیاده از یکبار نباید
و بعضی مشائخ بخارا گفته‌اند که تعزیت حاضر سه روز است و تعزیت
غائب یک روز و بعضی گفته‌اند باک نیست به نشستن تا سه روز در خانه
یا در مسجد و آنحضرت بعد از شنیدن خبر قتل جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه
و عبدالله بن رواحه در مسجد نشست و مردم می‌آمدند و آنچه مردم روزگار از
تکلفات کنند سوم روز از قرائت ختم و خوردن طیب و قسمت کردن
و امثال آن همه بدعت شنیع و نامشروع است تاب الله علیهم و عفی عنهم انتهی
مسئله دستور است که بروز سوم مردمان جمع شده برای
تعزیت بخانه میت می‌روند و در آنجا مجتمع شده کلمه طیبه و سوره اخلاص
خوانده بمیت می‌بخشند و تقسیم شیرینی می‌کنند جائز است انتهی مختصراً از رساله ضمن

کردن طعامیکه از بهر مرده ساخته باشند مکروه است سه روزه هفته وماهیانه وسالیانه وآن طعام مر علما وفضلا را مکروه است قَالَ عَلَیْهِ السَّلَامُ طَعَامُ الْمَیِّتِ یُمِیْتُ الْقَلْبَ وَطَعَامُ الْمَرِیْضِ یُمْرِضُ الْقَلْبَ ودر نوادر هشام آمده که مکروه است اجابت کردن طعامیکه بجهت روح مرده کرده باشند انتهی وهکذا فی قاضیخان وغیره من الفتاوی المعتبرة شرفا وغربا اما ساختن طعام برای فقرا ومساکین بی تعین روزی از این روزها یا از غیر این روزها پس جائز است کما قال البزازی ان اتخذ طعاما للفقراء کان حسنا انتهی ودر جامع البرکات مرقوم است وانچه بنیت تصدق بر فقرا از اموات پزند تا ثواب آن بایشان برسد خیر فقیر را روا شود وانچه بتصدق بر فقرا می باشد وهدیه مر اغنیا را انتهی وچیزی خواندن ودست برداشتن بر طعام بطریق فاتحه مروجه پیش از تناول آن طعام از علمای سلف ماثور نیست بلکه در حرمین شریفین کسی از اهل فضل وکمال که از زمان آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم تا حال شرف اقامت آنجا یافته آمده بطریق فاتحه بر طعام قبل از خوردن آن بند اند آری کسانیکه از ملک هند برای زیارت کعبه رسیده اند اختیار نموده

یعنی فرمود علیه السلام طعام میت می میراند دل را وطعام بیمار بیمار میسازد دل را ۱۲

یعنی ... ساختن طعام ... نفع ...

اند البته بعضی از ایشان بسبب عادت اهل هند مرتکب این چنین امر در خانهای

خود میشوند چون علما را آنجا از این حرکات خبر دار میشوند منع میفرمایند و

طریقه علمای سلف همین بود که بعد خوردن طعام دعای مغفرت برای

اهل ضیافت میکردند کذا فی جامع البرکات و خبر که از سلف در وجه جوازش

منقول نشد کردن آن بدعت است وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ

و مشهور است که حفاظ را نوکر داشته متعین قبر میسازند تا ختم کلام الله

جائز است یا نه جواب درین مسئله روایات مختلف اند از بعضی کتب فقه

چنان معلوم میشود که حافظان از وقت بر قبر نشاندن مکروه است و استحقاق ثواب

قرائت قرآن میت را نمیشود و نه قاری را کما فی خزانة الروایات و

فِي الشَّاهَانِ أُجْرَةُ الْقُرْآنِ مِثْلُهُ يَسْتَأْجِرُ رَجُلًا لِيَقْرَأَ الْقُرْآنَ

عَلَى رَأْسِ الْقَبْرِ قِيلَ هٰذِهِ الْقِرَاءَةُ لَا يَسْتَحِقُّ بِهَا الثَّوَابَ لَا

لِلْمَيِّتِ وَلَا لِلْقَارِي انتهى وفی نصاب الاحتساب اتخاذ القاری عند القبر بدعة ولا صلة

القاری بقراءته ولم یفعله احد من الخلفاء والصحابة و از روایت درمختار معلوم

میشود که نشاندن حافظ بر قبر مکروه نیست کما قال لا یکره الجلوس للقراءة عند

به نیت ثواب بی تعیین یوم جائز است و کسی در منع آن دم نزده

اما طعامیکه بعد میت تیار میکنند و آنرا بخش بخش کرده بخانه‌ها می فرستند

و آنرا بهاجی می نامند اعتباری ندارد و برای آنکه توقع ثواب در آن طعام است

چنانکه شیخ عبدالحق در جامع البرکات نوشته و آنکه بعد از سالی یا ششماهی

یا چهل روز بعد میت در بازار نیز میدوند میان مردم [illegible] کنند آنرا بهاجی

گویند چیزی داخل اعتبار نیست آنست که [illegible] تحقیق شیخ الاسلام

این عبارت شیخ را تمسک کرده بعضی در کشف الغطا ایراد نموده و آنچه در

بعضی روایات آمده که روح میت بخانه خود در بعضی شبها مثل شب جمعه

و شب برات و شب عید وغیره می آید این روایات در کتب صحاح

نیست تا وقتیکه روایات صحیحه مرفوعه متصل الاسناد نباشد از درجه

اعتبار ساقط است اگرچه بعضی آنرا در کتاب خود نقل کنند بلکه بعضی علمای

محدثین مثل ملا علی قاری و شیخ الاسلام [illegible]

این روایات را تضعیف هم نموده و [illegible]

شیخ عبدالحق رحمه الله این روایت را در جامع البرکات

می آید خانه خود را شب جمعه پس نظر میکند که تصدق میکنند از وی یا نه

والله اعلم انتهی **مسئله** قبر و چبوتره و چاردیواری و گنبد از خشت و چونه تعمیر ساختن جائز است یا نه و اگر گرد قبر را برای حفاظت آب از چونه پخته سازند و تعویذ قبر را خام دارند درست است یا نه **جواب** پخته ساختن قبر و تعمیر نمودن گنبد و چهاردیواری و چبوتره نزد قبر جائز نیست چنانچه در حدیث شریف بروایت مسلم آمده نهی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ان یجصص القبر وان یبنی علیه وان یقعد علیه و در مواهب الرحمان نوشته ویحرم البناء علی القبر للزینة ویکره للاحکام بعد الدفن انتهی وهکذا فی العالمگیریه و صاحب تحفة الملوک می نویسد بنا کردن از چونه گرد قبر برای حفاظت اثر است زیرا که قبر و توابع آن موضع استحکام نیست پس چنانچه قبر را خام داشتن بهتر است همچنان گرد او را خام باید داشت انتهی اما درست نمودن قبر شکسته از گل لاباس به است چنانچه در کتب فقه مذکور است فی العالمگیریه واذا خربت القبور فلا باس بتطیینها کذا فی التاتارخانیه انتهی و نیز شیخ عبدالحق در جامع البرکات آورده که در عهد امیر المومنین علی رضی الله تعالی عنه

آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرستاد او را تا هر جا صورتی و تمثالی

بیند محو و ناپدید کند و هر جا قبری بلند بیند پست و هموار کند چنانچه بر زمین

نزدیک باشد و در حدیث جابر آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم نهی

کرد از گچ کردن گور گفته اند که اگر کهگل کنند باو بران مکروه و درست است انتهی

مسئله خواندن نماز جنازه بر چارپائی و خواندن کلمه طیب بطریق جهر یا خفیه

همراه جنازه و گستردن فرش زیر میت در قبر و تلقین کردن میت بعد

موت و خواندن نماز هول برای میت و شمار چهل قدم رفته باز گردیدن

نزد قبر بعد از دفن جائز است یا نه **جواب** خواندن نماز جنازه بر چارپائی

جائز است زیرا که نعش مبارک آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را بر سریر نهاده

نماز جنازه خوانده اند و اهل عرب تخت و چارپائی را سریر گویند و در قاموس

مرقوم است که الشَّرِیطُ خُوصٌ مَفْتُولٌ یُشْرَطُ بِهِ السَّرِیرُ وَنَحْوُهُ و الخوص

بالضم ورق النخل انتهی یعنی شریط برگ درخت خرماست که آنرا

تافته بصورت رسن باریک می کنند و ازان سریری بافند پس سریر

در عرف پارسیان چارپائی و در عرف اهل هند کهاٹ می نامند چنانچه شیخ عبد الحق در شرح مشکوة

چنانچہ در فتاوی عالمگیری مرقوم است و تلقین الشہادتین و صورة

التلقین ان یقال عنده فی حالة النزع قبل الغرغرة جهرا وهو

یسمع اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله

ولا یقال له قل ولا یلح علیه فی قولها مخافة ان یضجر فاذا

قالها مرة لا یعیدها علیه الملقن الا ان یتکلم بکلام غیرها کذا

فی الجوهرة النیرة وهذا التلقین مستحب بالاجماع واما التلقین بعد الموت

فلا یلقن عندنا فی ظاهر الروایة کذا فی العینی شرح الهدایة وفی

معراج الدرایة ونحن نعمل بهما عند الموت وعند الدفن کذا فی

المضمرات انتهی و در مستملی شرح منیة المصلی آورده ویلقن الشهادة

بان یذکر عنده لیتذکر [illegible] یؤمر بها واما التلقین بعد الموت

فلا یؤمر به ولا ینهی عنه انتهی و خواندن نماز [illegible] در کتب حدیث و فقه که معتبر و مقبول اند

از نظر نگذشته لیکن در بعض وظائف و رسائل صوفیه نوشته است و بر آن سکوت و تا حدیث

و فقه کافی است و بر قول و نقل مشائخ صوفیه فتوی جاری نتوان شد و چنانچه شیخ الاسلام [illegible] در کشف

الغطاء نوشته و عادت مشائخ است که این نماز را متصل دفن پیش از مرور شب اول ادا [illegible]

نجات ہست از عذاب می خوانند و آن را صلوٰة الهول نامند انتهی و باز

گردیدن نزد قبر بشمار چهل قدم بعد از دفن این مسئله ہم در کتب فقه و حدیث

یافته نمی شود که بر آن حکم امر و نهی جاری کرد و ظاهر آن از قسم بدعت باشند

و از شارع علیه السلام تاکید شدید ہست که از امور شرک و بدعت پرہیز نمایند

قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ مَنْ اَحْدَثَ فِيْ اَمْرِنَا

هٰذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ مسئله زیارت قبور زنان را ہم جائز ہست چنانچه

مردان را جائز شده ہست یا نه جواب زیارت قبور مردان را جائز ہست

بشرطیکه موافق سنت باشد نه زنان را و سنت در زیارت قبور ہست که چون

در مقابر گذر کنند بگویند السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ

الْمُسْلِمِيْنَ وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالٰى بِكُمْ لَلَاحِقُوْنَ اَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ

لَكُمْ تَبَعٌ نَسْأَلُ اللهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ و بار دیگر دعا که در کتب حدیث

آمده بخوانند و طلب مغفرت نمایند برای ایشان چنانچه در جامع البرکات

نوشته که در عقائد آمده ہست که فِيْ دُعَاءِ الْاَحْيَاءِ لِلْاَمْوَاتِ وَالصَّدَقَةِ

عَنْهُمْ نَفْعٌ لَهُمْ انتهی و در اخبار رفته عبرت گیرند و موت خود یاد کنند و آنچه خلاف سنت

یعنی قبر را بوسہ دہند و سر و بخاک نہا لند و از اہل قبور طلب حاجت نمایند و
سجدہ کنند و سر بر آن نہند چنانچہ ملا علی قاری در شرح عین العلم آوردہ و
لا یمس ای القبر و لا التابوت و لا الجدار فورد النہی عن مثل ذالک
بقبرہ علیہ السلام فکیف بقبور سائر الانام و لا یقبل فانہ زیادۃ
علی اللمس فهو اولی بالنہی انتہی و تفصیل این امور در رسالہ جملہ بیان اعتقاد
و زنان را زیارت قبور بقول اصح مکروہ تحریمی است چنانچہ در مسئلہ مرقوم است
و یستحب زیارۃ القبور للرجال و تکرہ للنساء انتہی و در کتاب
مجالس الواعظین مسطور است و اما النساء فلا یحل لهن ان یخرجن الی المقابر لما روی
عن ابی هریرۃ انه علیه السلام قال لعن الله زوارات القبور انتهی و عن
ابن عباس قال لعن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم زائرات القبور
و المتخذین علیها المساجد و السرج کذا فی المشکوۃ
و در مضمرات آمدہ کہ سئل القاضی عن جواز خروج النساء
الی المقابر و الفساد فی مثل هذا فقال لا تسئل عن
الفساد فی مثل هذا و انما تسئل عن مقدار ما یلحقها

مِنَ اللَّعنِ واعلم انها كلما نوت الخروج كانت فی لعنة الله وملائكته
علیهم السلام واذا خرجت تلحقها الشیاطین من كل
جانب واذا اتت القبر تلعنها روح المیت واذا رجعت كانت فی
لعنة الله كذالك حتی تعود وفی حدیث ایما امرأة خرجت الی المقبرة
تلعنها ملائكة السموات السبع وملائكة الارضین السبع فتمشی فی
لعنة الله وایما امرأة دعت للمیت بخیر فی بیتها یعطیها الله تعالی ثواب
حجة وعمرة وروی عن سلمان وابی هریرة انه علیه السلام
ذات یوم خرج من المسجد فوقف علی باب داره فاتت
ابنته فاطمة رضی الله تعالی عنها فقال لها من این جئت
فقالت خرجت الی منزل فلانة التی ماتت فقال هل ذهبت
قبرها فقالت معاذ الله ان افعل شیئا بعد ما سمعت منك
ما سمعت فقال لو ذهبت قبرها لم تری رائحة الجنة
انتهی قاضی ثناء الله پانی پتی در رساله مالابد آورده که زیارت قبور مر زنان را جائز
نه زنانرا نه سلسله حاجت جز بستن از اہل قبور بطریق دعا و طواف نمودن مر قبور

دادن و سجده کردن و گرد قبر روشنی کردن و غلاف پوشانیدن و
چادر و گل انداختن بر جنازه یا بر قبر و خیمه و شامیانه ایستاده کردن
بران و نذر کردن برای غیر خدا و شیرینی و طعام نهادن پیش آن جائز
هست یا نه جواب استعانت و امداد از اهل قبور بهر نهج که باشد جائز نیست
چنانچه شیخ عبد الحق در شرح مشکوة شریف بزبان عربی نوشته می آرد
واما الاستمداد باهل القبور فی غیر النبی والانبیاء علیهم السلام
فقد انکره کثیر من الفقهاء وقالوا لیس الزیارة الا للدعاء للموتی و
الاستغفار لهم وایصال النفع الیهم بالدعاء وتلاوة القرآن
انتهی ازین عبارت شیخ علیه الرحمة والغفران چنان مستفاد گردیده که قبور
انبیاء علیهم السلام ازین حکم که ممانعت استعانت و استمداد است از اهل قبور
مستثنی اند بلحاظ آنکه ایشان را در برزخ حیات ابدی ثابت شده که
دیگر از سوای شهداء فی سبیل الله ثابت نیست و حال آنکه حیات آنجا
مماثل حیات دنیا نیست بلکه احکام حیات دنیا دیگر است و احکام حیات آنجا
دیگر بنا بران این استفاد است نه آنچه حق آنست که انکار فقها عام است از آنکه استمداد

از قبور انبیا کنند یا از قبور غیر ایشان همه جائز نیست چنانچه از عبارت دیگر
کتب فقها که درین جواب ایراد کرده می شود واضح خواهد گردید منجمله آن
صاحب مجمع البحار آورده من قصد لزیارة قبور الانبیاء والصلحاء
ان یصلی عند قبورهم ویدعو عندها ویسئلهم الحوائج فهذا لا
یجوز عند احد من علماء المسلمین فان العبادة وطلب الحوائج
والاستعانة حق لله وحده انتهی وقال البغوی فی المعالم یقال
الاستعانة نوع تعبد والعبادة الطاعة مع التذلل والخضوع
وسمی العبد عبدا لذلته وانقیاده یقال طریق معبد ای
مذلل انتهی وفی الحدیث عن ابن عباس قال کنت خلف
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یوما فقال یا غلام احفظ
الله یحفظك احفظ الله تجده تجاهك واذا سألت فاسأل
الله واذا استعنت فاستعن بالله واعلم ان الامة لو اجتمعت
علی ان ینفعوك بشیء لم ینفعوك الا بشیء قد کتبه الله لك ولو اجتمعوا
علی ان یضروك بشیء لم یضروك الا بشیء قد کتبه الله علیك رفعت الاقلام وجفت الصحف

رواہ احمد والترمذی کذا فی المشکوٰۃ وہمچنین طواف نمودن گرد قبر
جائز نیست قبر نبی باشد یا قبر ولی چنانچہ ملا علی قاری در شرح
مناسک نوشتہ ولا یطوف ای لا یدور حول البقعۃ الشریفۃ
لان الطواف من مختصات الکعبۃ المنیفۃ فیحرم حول
قبور الانبیاء والاولیاء ولا عبرۃ بما یفعلہ العامۃ الجہلۃ
ولو کانوا فی صورۃ المشائخ والعلماء انتہی ونیز بوسہ دادن بر قبر
وسجدہ کردن و [illegible] کردن نزد قبر جائز نیست چنانچہ در کتاب شجرۃ الایمان
مرقوم است وگور را سجدہ کردن و بوسہ دادن و بر دو دست مالیدن
وطواف کردن و از قبر حاجت طلبیدن و در قبرستان چراغہا افروختن
ہمہ مکروہ تحریمی است انتہی و شیخ الاسلام در کشف الغطاء آوردہ کہ دست
ننہد بر قبر و مسح نکند آنرا و بوسہ ندہد و منحنی نشود و رو بخاک نمالد
کہ این عادت نصاری است و مشائخ در منع آن تشدید بسیار دارند
کذا فی [illegible] نہادن بر قبر درست نیست کما فی نصاب
الاحتساب [illegible] القبر غیر [illegible] الاحوال وبعد [illegible]

النساء وامر علی بقبر رجل قد بُنِیَ فنهاه انتهی وهمه بر قیاس انداختن

گل وچادر گل بر قبر تقرباً جائز نیست زیرا که تقرب الی غیر الله حرام وممنوع است

وچادر وگل بر جنازه انداختن بدعت است ومکروه تحریمی ونیز استاده کردن

خیمه وشامیانه بر قبر مکروه است چنانچه در شرعة الاسلام وغیره مرقوم است

ویُکره ان یُبنیٰ علی القبر مسجد یُصلّی فیه وان یُضرب علیه فسطاط

او قُبّة تُقام فیه ویُستظل القبور فانما یظل المیت عمله انتهی ونذر

کردن برای غیر خدا وشیرینی وطعام آوردن نزد قبر بطریق نذر یا بطریق تقرب نیز

جائز نیست بلکه بدعت ومکروه تحریمی است وعادت کفار است بنسبت بتان

قال فی الدر المختار واعلم ان النذر الذی یقع للاموات ومایؤخذ

من الدراهم والشمع والزیت ونحوها الی ضرائح الاولیاء الکرام

تقرباً الیهم فهو بالاجماع باطل وحرام مالم یقصدوا صرفها لفقراء

الانام وقد ابتلی الناس بذلک ولاسیما فی هذه الاعصار وقد

بسط العلامة قاسم فی شرح درر البحار ولذا قال الامام محمد لو کان العوام

عبیدا لی لاعتقتهم بلا ولائی وذلک بانهم لا یفعلون فالکل بهم یمتازون

انتهی و در کشف الغطا آورده آنچه تکیه می کنند اکثر عوام پس می آیند که
بعضی از قبور صلحا را و میگویند ای سید فلان اگر حاجت مرا بر آری می نذر
اینقدر از زر یا طعام یا شمع [illegible] در بحر الرائق گفته که این نذر باطل است بالاجماع
زیرا چه آن نذر مخلوق است و آن جایز نیست انتهی و فی الحدیث لا وفاء
لنذر فی معصیة الله رواه ابو داود و کذا فی المشکوة ربنا اغفر لنا
ذنوبنا واسرافنا فی امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین
خاتمه در بیان آنکه آدمی را از مرگ گریز نیست قال الله تعالی کل نفس
ذائقة الموت با وجود آن کسی نمیداند که از کجا خواهد خورد و کجا خواهد مرد قوله
ما تدری نفس ماذا تکسب غدا وما تدری نفس بای
ارض تموت ان الله علیم خبیر تا آنکه انبیا و رسل درین باب بعجز
کلمه لا ادری حرفی بر زبان میآوردند قال رسول الله صلی الله علیه
وآله وسلم والله لا ادری والله لا ادری وانا رسول الله ما یفعل
بی ولا بکم [illegible] درین صورت اهل ایمان را لازم که در [illegible]
مساعدت نمایند [illegible] هر وقت در نجات [illegible] قال الله تعالی اذا جاء اجلهم

لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون آن ارشدک الله تعالی فی
الدارین که دو چیز است در جهان که بنی آدم را خوش نمی آید یکی موت
دیگری قلت مال قال الله تعالی عسی ان تکرهوا شیئا وهو خیر لکم
وعسی ان تحبوا شیئا وهو شر لکم والله یعلم وانتم لا تعلمون موت
بهتر است برای آنکه در طول عمر رنج و بلا بیشتر و قلت خوشتر است برای
آنکه در آن مواخذه حساب کمتر قال رسول الله صلی الله علیه وآله
وسلم کن فی الدنیا کانک غریب او عابر سبیل وعد نفسک
من اهل القبور سه چیز است که بعد مرگ همراه جنازه میت میروند ازانجمله
دو چیز باز میگردد و یک چیز رفیق وی میشود یتبع المیت اهله وماله
وعمله فیرجع اهله وماله ویبقی عمله قال الله تعالی فمن یعمل مثقال
ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شرا یره چهار چیز است که بنده نیز آن
کنده یکی خانه برای سکونت دوم لباس برای ستر عورت سوم پاره نان برای
شکستن جان چهارم آب برای دفع عطش تا چون روز قیامت شود پنج چیز سوال کنند یکی
از عمر که در چه کار بسر کرد دوم از شباب که در چه چیز ضائع کرد سوم از مال که از کجا جمع

بود چهارم از آنکه این مال را در کدام چیز خرج کرد و پنجم از عمل بعد حصول علم نظم

هر که هست از فقیه و پیر و مرید ✤ وز زبان آوران پاک نفس ✤ چون بدنیای دون

فرود آیند ✤ بعسل در بماند همچو مگس ✤ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَصِحَّتَكَ

قَبْلَ سُقْمِكَ وَغِنَاءَكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَ

حَيٰوتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ حاصل تحریر آنکه هر که را بعد ایمان عمل صالح نصیب

شد و تا آخر عمر بر آن مواظب ماند و جان شیرین خود را بوقت خاتمه

بکلمهٔ توحید بجان آفرین سپرد داخل بهشت خواهد شد قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَ اٰخِرُ كَلَامِهٖ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ

زیرا که اعمال صالحه بدون ایمان و اسلام بکار نخواهد آمد چنانچه در حدیث شریف آمده که

بیت

چون روز قیامت شود اعمال پنجگانه نزدیک پروردگار بیایند پس نماز بیاید بگوید که من نماز بندهٔ تو ام الله تعالی فرماید که تو

بر خیر و نیکی هستی باز زکوة بیاید و بگوید که من زکوة تو ام [illegible] نیکو هستی پس روزه بیاید

و بگوید که من روزه ام حق تعالی فرماید که تو بر خیر و نیکی هستی ✤

بر ... خیر و نیکی هستید و بعد از ایشان اسلام بیاید و گوید که ای پروردگار من سلام تو ام و من اسلام پس ...

که تو برخیزد ثقل سستی افسرده بسبب تو هوا نشود و کم نشوے

تو بخشم بعد ازان بیان آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم

این آیت تلاوت فرمود فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره

للاسلام و مسلمان کامل آنست که در هر امور دنیا و آخرت

پیغمبر صلی الله عل ... سلم را پیش نظر دارد و هیچ مسلمان

را از ... زبان تکلیف ندهد قال رسول الله صلی الله

علیه وآله وسلم المسلم من سلم المسلمون من لسانه

ویده پس اتباع آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرض و واجب

است در ظاهر و باطن و اتباع آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ثمره

محبت است قال الله تعالی قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی

یحببکم الله و تا وقتیکه محبت آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم

[بر] محبت دیگران راجح نگردد مذاق ایمان نیابد قال رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم ثلث من کن فیه وجد بهن

حلاوة الایمان من کان الله ورسوله احب الیه

ما سواهما ومن احب عبداً لا یحبه الا لله ومن یکره

ان یعود فی الکفر بعد ان انقذه الله منه کما یکره ان

یلقی فی النار وحق مسلمان بر مسلمان آنست که چون ملاقات

شود بسلام وکلام پیش آید وچون وی غائب شود پس

وی بخیر خواهی پیش آید واز حسد وکینه ودشنام باز ماند و عیب

او را عیب خود داند برای آنکه المؤمن مرآة المؤمن

آمده واز غیبت برادر مسلمان احتراز نماید الغیبة اشد

من الزنا مگر غیبت چند کس جائز است پادشاه ظالم وفاسق

معلن ومبتدع زیراکه بیان حال ایشان سبب عبرت است

برای دیگران وتا مقدور از خیر خواهی برادران دینی دریغ

ننماید که آن عین دین است قال رسول الله صلی الله علیه

واله وسلم الدین النصیحة ودرعیـ ... دوستی ایشان کوشد

واگر احیانا بسبب بعضی معاملات ننگ

روز زیاده ترک سلام وکلام روا ندارد وبهترین ایشان

که بعد ورت ابتدا بسلام کرده ملاقات نماید برای مقتدایان دین و پیشوایان اہل یقین دعا مغفرت نماید چنانچه کاتب الحروف نیز این رساله را برین دعا ختم ساخته رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

فهرست مسائل

بمطبع محمدی حاجی ولی محمد در ... طبع شد

دعا مسواک اللهم اجعل تسوكي بهذا

تمحيصا لذنوبي ومرضاة لك يا سيدي

وبيض به وجهي كما بيضت به

اسناني دعا مضمضه اللهم صل على محمد وعلى آل محمد

اللهم اعني على تلاوة كتابك وكثرة

ذكرك وشكرك وحسن عبادتك دعا استنشاق

اللهم ريحني برائحة الجنة وانت عني راض

دعا غسل وجه اللهم بيض وجهي بنورك في الدنيا

والآخرة يوم تبيض وجوه اوليائك ولا

تسود وجهي يوم تسود وجوه اعدائك

دعا غسل اليد اليمنى اللهم اعطني كتابي بيميني وحاسبني حسابا يسيرا

دعا بغسل الید الیسری • اللهم انی اعوذ بک ان تعطینی
کتابی بشمالی او من وراء ظهری • دعا بمسح الراس •
اللهم اغشنی برحمتک ونجنی من عذابک
وانزل علی برکاتک واظلنی تحت ظل عرشک •